

عنوان مقاله:

تحلیل شعرخضرکجاست سروده تقی پورنامداریان برمبنای رویکرد بینامتنی

محل انتشار:

فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره 11، شماره 28 (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 23

نویسنده:

همایون جمشیدیان - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گلستان

خلاصه مقاله:

در این مقاله شعرخضرکجاست سروده تقی پورنامداریان به لحاظ بینامتنی تحلیل میشود هدف از این تحقیق علاوه بر تبیین نسبت تصاویر این شعر با شعرکلاسیک نشان دادن ارتباط عناصر ژانرهای عرفانی حماسی غنایی و چگونگی ترکیب آنها در فرینش شعر عاشقانه معاصر است واژه خضر دلالت های عرفانی و اسطوره ای را تداعی می کند باتوجه به ویژگی خضر که دستگیرگم شدگان است انتظار می رود گوینده عبارت خضرکجاست دروادی های سیروسولوک سرگردان باشد چنین دلالت هایی درواژگان و عبارتهایی چون ظلمات آب حیات و بیابان شب نیز دیده میشود از سوی دیگر باتوجه به مضمون شعر این پرسش مطرح میشود که چگونه اجزای شعر و دلالت های معنایی مختلف آن در کنار یکدیگر قرار گرفته است؟ نتایج تحقیق نشان میدهد که این شعر در ژانر غنایی و توصیف معشوق زمینی است اما نشانه هایی از دیگر ژانرها در آن دیده میشود راوی شعر همچون قهرمان حماسی مراحل سختی را برای رسیدن به مقصود پشت سر میگذارد مثلاً از سرزمین تاریکی ها می گذرد بندهای چهارگانه شعر تداعی گر چهار فصل سال اند این فصل ها همچون زمان اساطیری دوری اند و سیرخطی نارند این شعر حاصل تلاقی و تداعی ژانرهای گوناگونی است که از ناخودآگاه شاعر زیسته در آن عوالم فرهنگی مجال ظهور یافته است در این مقاله از روش بینامتنی در تحلیل شعر استفاده شده است و بامقایسه و تحلیل عناصر ژانرهای مختلف نسبت آنها با یکدیگر در ایجاد ممتنی منسجم و ساختارمند بررسی شده است

کلمات کلیدی:

بینامتنیت ژانرها ، شعر غنایی ، عرفان ، اسطوره و حماسه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/334969>

